

نتیجه‌گیری

ساختار کنونی نظام قضایی با وجود ظرفیت‌های بالقوه قانون اساسی و تکلیف احیای حقوق عامه و آزادی‌های مشروع طبق اصل (۱۵۶) قانون اساسی، توانمندی لازم را برای احیای حقوق عامه (عبارت‌انداز: حقوقی که به جهت عدم تعهد به صلاحیت‌های دستگاه‌های حکومتی یا سوءاستفاده از صلاحیت‌ها برای منافع شخصی گروهی فوت می‌شوند) ندارد. در این راستا لازم است از سوی رئیس قوه قضائیه لوائح قضایی متعدد شامل اصلاح قانون ناکارآمد، احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی را بریوریت‌های بنیادین و چستی حقوق عامه در بستر آزادی‌های مشروع و حقوق عامه را ارائه دهد، به‌گونه‌ای که سوءبرداشت‌ها و ابهامات را بزاید و از سوی دیگر لازم است به بازمهندسی و کارآمدسازی ساختار احیای حقوق عامه توجه کند. در حوزه ساختارهای رسمی و با وجود نهادهای متعددی همچون نهاد دادستانی، دیوان عدالت اداری، ستاد حقوق بشر و سازمان بازرسی کل کشور، ایرادات چشمگیری از حیث ناتوانی در احیای حقوق عامه وجود دارد که گاه با مشابه‌سازی نهادهای دیگر، فقط عنوان مشابه نهادهای تأمین یا تضمین‌کننده حقوق عامه (ملت) را به همراه دارند؛ همانند نهاد ملی حقوق بشر و آمبودزمان یا برای مثال نهاد دادستانی اساساً صلاحیت و ابزارهای لازم را در اجرای وظایف قانونی خود به خصوص خارج از اوصاف کیفری ندارد. در حوزه ساختارهای غیررسمی (غیردولتی) بیشترین آسیب ناظر به عدم اهتمام نظام قضایی برای بهره‌گیری از این ساختارها و اجازه پیگیری مستقیم دادن به موضوعات مختلف، نزد مراجع قضایی است. این مراجع لازم است دسترسی به عدالت را با داشتن صلاحیت‌ها بدون استثنا به خصوص با توجه به ظرفیت اصل هشتم قانون اساسی برای همه افراد تأمین کنند. نظام قضایی در صورت تعامل با ساختارهای غیررسمی می‌تواند بسیاری از ناکارآمدی‌ها را در حوزه احیای حقوق عامه به‌ویژه کشف ابعاد تضییع این حقوق برطرف سازد. در مجموع می‌توان گفت احیای حقوق عامه به‌عنوان تکلیف قوه قضائیه، منوط به بازنگری جدی در نظام هنجاری ساختاری قوه قضائیه است و تا عدم اجرایی شدن آن حصول نتیجه در این زمینه دور از دسترس خواهد بود.

موارد قرار دارند، موظف هستند با این هیئت همکاری لازم را معمول دارد. آن هیئت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مسامحه در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.»

بر این اساس و طبق ماده (۲) دستورالعمل اجرایی بند مذکور، هیئت نظارت وظایف زیر را بر عهده دارد:

۱. نظارت بر حسن اجرای قانون یادشده در کشور و ایجاد رویه واحد؛
۲. اصلاح روش‌ها انطباق آن با مقررات؛
۳. بررسی گزارش هیئت‌ها و نظارت و بازرسی استان‌ها ارزیابی چگونگی اجرای قانون؛
۴. اعزام گروه‌های بازرسی فوق‌العاده به دستگاه‌های مشمول این دستورالعمل؛
۵. ارسال شکایات و گزارش‌های واصله به مرجع مربوطه و پیگیری آن‌ها تا رسیدن به نتیجه؛
۶. پیشنهاد تشویق و تنبیه بر اساس گزارش هیئت‌های بازرسی؛
۷. تهیه گزارش در خصوص روند اجرای قانون در کشور، هر سه ماه یک‌بار؛
۸. ارائه گزارش از چگونگی روند اجرای قانون هر شش ماه یک‌بار به مردم.

در واقع هیئت نظارت و بازرسی بر حقوق شهروندی، فقط بر اساس درک ناقص از حقوق شهروندی در قانون مرتبط خود عمل می‌کنند و بیشتر نقش نظارت اطلاعاتی را دارند؛ حتی لایحه قضایی قوه قضائیه برای این هیئت در قانون نظارت بر رفتار قضات (۱۷/۷/۱۳۹۰) هیچ جایگاهی را قائل نشده است. در چنین وضعیتی چگونه می‌توان به اثربخشی این هیئت در نظام قضایی امیدوار بود. هرچند در مواد (۱۳) تا (۱۷) قانون نظارت بر رفتار قضات که ناظر به تخلفات قضایی است، هیچ ماده‌ای ناظر به نقض حقوق عامه یا حقوق شهروندی بیان نشده است و این خود به نوعی به کاستی در نظام اخلاق قضایی در قوه قضائیه اشاره دارد.

مهم‌ترین است که این هیئت طبق بند (ح) ماده (۲) دستورالعمل، لازم است هر شش ماه یک‌بار گزارشی از روند اجرای قانون به مردم اعلام کند که چنین گزارشی از سال ۱۳۸۳ تا کنون حتی یک‌بار هم اعلام عمومی نشده است.

سازمان» می‌تواند درخواست بازرسی و اعمال نظارت کند؛ هرچند سامانه این سازمان اخبار مردمی را می‌پذیرد، نهاد نظارت‌ها و کشف و تخلفات در آن خارج از مطالبه و دادخواست عمومی است.

در نهایت باید اذعان داشت که آمبودزمان، نهادهای برای تضمین حقوق شهروندان از طریق اعمال نظارت و بازرسی است که چنین غایبی در قانون تشکیل سازمان بازرسی حداقل به نحوه روشن تعریف نشده است.

همچنین در رسیدگی‌های سازمان بازرسی کل کشور اگر بازرسان به تضییع حقی برخورد کرده و آن را احراز کنند، باید طبق ماده (۶) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، آن را به مراجع ذیصلاح قضایی ارسال کنند؛ ولی فرایند مورد نظر به‌طور مشخص در این موارد تصریح و تبیین نشده است. هر چند در عمل سازمان بازرسی کل کشور توانسته ارتباط مناسبی را با دیوان عدالت اداری در راستای عملکرد ولی نه هنجار مشخصی این ارتباط را سازمان‌ناافته کرده و نه تکلیف منجزی برای همکاری وجود دارد.

البته درباره ارتباط سازمان با دادستان در تبصره (۱) بند «د» ماده (۲) قانون پیش‌گفته، بیان شده است.

در مورد جرائم منتهی به ورود خسارت به اموال دولتی و حقوق عمومی و تضییع آن‌ها دادستان ضمن تعقیب کیفری متهم یا متهمان در دادگاه صالح در صورت احراز ورود خسارت و ضرر و زیان، رأساً جبران آن را بدون پرداخت هزینه دادرسی از دادگاه درخواست می‌کند. دستگاه‌های ذی‌ربط موظف به همکاری با دادستان در جمع‌آوری دلایل و مدارک و پیگیری موضوع هستند.

با این حال در این حکم مشخص نیست که آیا دادستان باید به گزارش سازمان بازرسی کل کشور ترتیب اثر دهد یا تشخیص استقلالی خود او ملاک اقدام مقتضی است.

هیئت نظارت و بازرسی بر حقوق شهروندی

فارغ از ایرادات ماهوی وارد بر ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب (۱۳۸۲/۲/۱۵)، طبق بند پانزدهم این قانون «رئیس قوه قضائیه موظف است هیئتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این